

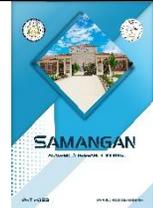


Samangan Scientific and Research Journal

<https://researchsparker.edu.af/index.php/SARJ>

DOI: 10.64226/sarj.v2i02.7

e-ISSN:3105-1715



The Viewpoint of Sunni Jurists on the Legal Ruling of Nikah Misyar

Fazal Rahman Faez^{1,*}

¹Department of Islamic Sciences and Culture, Faculty of Education, Samangan Institute of Higher Education

* Corresponding Author: fazelrahmanfaez1@gmail.com

Cite this study:

Faez, F. R. (2024). The Viewpoint of Sunni Jurists on the Legal Ruling of Nikah Misyar, Samangan Academic and Research Journal, 2(2), 141-154.

Keywords

Sunni jurisprudence, ruling, Islamic law, Misyar, marriage.

Research

Received:

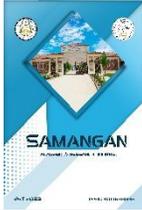
Revised:

Accepted:

Published:

Abstract

Nikah Misyar is a type of marriage contract that possesses the essential pillars and conditions of a regular marriage, with the distinction that the spouses agree prior to the contract that the husband relinquishes his obligation to provide financial maintenance (*nafaqah*), housing, and overnight accommodation. The aim of this research is to examine the jurisprudential status of *Nikah Misyar* and to analyze the diverse perspectives of jurists regarding its permissibility or impermissibility. This study employs a comparative and analytical research method, drawing upon credible jurisprudential sources and scholarly opinions to evaluate the differing views. The findings indicate that some jurists permit *Nikah Misyar* under specific conditions, whereas others disapprove of it due to its negative social and moral implications. Ultimately, it can be concluded that although this type of marriage fulfills the outward pillars and conditions of a valid marriage, it does not fully align with the higher objectives of Islamic law (*Maqasid al-Shari'ah*), such as tranquility, affection, mercy, and safeguarding the full rights of women and children. While a group of scholars consider it permissible based on the principles of contract validity and the obligation to fulfill stipulated conditions, the arguments of those who deem it impermissible — citing conflict with the objectives of marriage, promotion of immorality, infringement of women's and children's rights, and secrecy — appear stronger and more reasonable.



مجله علمی-تحقیقی سمنگان

<https://researchsparker.edu.af/index.php/SARJ>

DOI: 10.64226/sarj.v2i02.7

e-ISSN:3105-1715



دیدگاه فقهای اهل سنت پیرامون حکم فقهی نکاح مسیار

فضل الرحمن فایز^{۱*}

^۱ دبیراتمنت علوم و فرهنگ اسلامی، پوهنځی تعلیم و تربیه، مؤسسه تحصیلات عالی سمنگان

نویسنده مسؤول: fazelrahmanfaeiz@gmail.com

مرجع دهی:

فایز، ف. (۱۴۰۳). دیدگاه فقهای اهل سنت پیرامون حکم فقهی نکاح مسیار، (۲)، ۱۴۱-۱۵۴.

چکیده

کلمات کلیدی

مسیار عبارت از نکاحی است که مانند نکاح دائم دارای ارکان و شرایط بوده البته با این تفاوت که زوجین قبل از عقد، در خصوص تنازل زوج از پرداخت حق نفقه، مسکن و مبیعت توافق می‌کنند. هدف این تحقیق بررسی جایگاه فقهی نکاح مسیار و تحلیل دیدگاه‌های مختلف فقها پیرامون جواز یا عدم جواز آن است. در این پژوهش، روش تحقیق تطبیقی و تحلیلی به کار گرفته شده و با استناد به منابع معتبر فقهی و آرای علماء، نظرات مختلف در این زمینه مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که برخی فقها به جواز نکاح مسیار با شرایط خاص اعتقاد دارند، در حالی که گروهی دیگر آن را با توجه به آثار اجتماعی و تربیتی ناپسند می‌دانند. در نهایت می‌توان به این نتیجه رسید که این نوع ازدواج، با وجود دارا بودن ارکان و شرایط اصلی نکاح از لحاظ ظاهری، در حقیقت با اهداف و مقاصد عالی شریعت اسلامی مانند آرامش، مودت، رحمت و تأمین حقوق کامل زن و فرزند سازگاری کامل ندارد؛ هرچند جمعی از علما با استناد به اصول صحت عقد و لزوم وفای به شروط، آن را مباح دانسته‌اند؛ اما دلایل قائلین به حرمت - مانند مخالفت با مقاصد نکاح، ترویج فساد، تضییع حقوق زنان و کودکان، و مخفی‌کاری در عقد - قوی‌تر و معقول‌تر به نظر می‌رسد.

اهل سنت، حکم، فقه، مسیار، نکاح.

مقدمه

نکاح مسیار یکی از مباحث نوین و پیچیده در فقه اسلامی است که در دنیای معاصر و به ویژه در میان اهل سنت مطرح شده است. این نوع ازدواج، که به ویژه در برخی کشورهای عربی و اسلامی رواج یافته، ویژگی‌های خاص خود را دارد. در نکاح مسیار، زن به طور داوطلبانه از برخی حقوق خود مانند نفقه، سکونت و هم‌بستر شدن مستمر چشم‌پوشی می‌کند و این ازدواج در چارچوب قانون شرعی به‌عنوان یک عقد دائم شناخته می‌شود (مطلق، بی تا: ص ۲۱۸). نکاح مسیار در پاسخ به مشکلات اجتماعی و اقتصادی شکل گرفته است، جایی که مرد ممکن است به دلیل مشغله‌های زندگی یا محدودیت‌های مالی نتواند به طور کامل از حقوق زن در ازدواج سنتی برخوردار شود. در این وضعیت، زن با آگاهی و توافق خود از برخی حقوقش صرف نظر کرده و ازدواج انجام می‌شود (عنزی، ۱۴۱۸ هـ ق: ص ۱۲۷)؛ اما حکم فقهی این نوع ازدواج در میان مذاهب مختلف اهل سنت موضوع بحث است.

در خصوص پیشینه تاریخی؛ نکاح مسیار را در کتب فقهی گذشتگان نمی‌توان به شکل یکدست و منظم که شامل یک کتاب مستقل با فصل و باب جداگانه باشد پیدا نمود؛ اما از مباحث مربوط به ازدواج‌های موقت، نکاح متعه و شرایط عقد نکاح می‌توان ریشه‌های تاریخی این مفهوم را به صورت غیر مستقیم و غیر منسجم دریافت. برای درک بهتر پیشینه تاریخی نکاح مسیار، لازم است به برخی از کتب فقهی متقدمین و نظرات فقهای گذشته اشاره کنیم که به طور غیرمستقیم به مسائل مشابهی پرداخته‌اند: در کتاب "التهدیب" اثر ابن ابی شیبیه که از مهم‌ترین منابع فقهی در مذهب حنفی است، به اصول کلی عقد نکاح، شرایط آن و حقوق و تکالیف زن و مرد پرداخته شده است. هرچند نکاح مسیار به طور خاص در این کتاب ذکر نشده، اما اسقاط حقوق زن مانند نفقه و سکونت، که در نکاح مسیار به طور داوطلبانه اتفاق می‌افتد، در همین منابع نیز به‌عنوان موضوع نگران‌کننده برای فقهاء مطرح بوده است، در این اثر، تأکید بر لزوم رعایت حقوق متقابل در عقد نکاح و همچنین ضرورت تأمین نیازهای مالی و عاطفی زن به چشم می‌خورد.

در کتاب "المغنی" اثر ابن قدامه، فقیه حنبلی بزرگ، به مسائل مختلف ازدواج در اسلام پرداخته شده است. یکی از مباحث مهم در این کتاب، مسائل مربوط به نکاح متعه و شرایط ویژه آن است که در برخی دوران‌ها در جوامع اسلامی رایج بوده است. هرچند ابن قدامه در کتاب خود به نکاح مسیار اشاره مستقیم نمی‌کند، اما در بحث‌های مربوط به موقتی بودن عقد و اسقاط برخی حقوق زنان در نکاح متعه می‌توان شباهت‌هایی را با نکاح مسیار مشاهده کرد. ابن قدامه بر این نکته تأکید دارد که حقوق زن در ازدواج باید به طور کامل حفظ شود و هیچ‌گونه قراردادی که منجر به تزییع این حقوق شود، قابل قبول

نیست. از این رو، تحلیل‌های وی در خصوص تزییع حقوق زنان در برخی انواع ازدواج‌ها می‌تواند به‌طور غیرمستقیم مبنای نظری برای رد یا پذیرش نکاح مسیار باشد.

در کتاب "الاستذکار" اثر ابن عبد البر، فقیه مالکی، به تحلیل فقهی ازدواج‌ها و احکام مرتبط با حقوق زنان پرداخته شده است. ابن عبد البر در این کتاب به دقت به نکات مربوط به لزوم رعایت حقوق زنان در عقد نکاح و شرایط صحیح بودن ازدواج اشاره می‌کند. در فقه مالکی، همانطور که در سایر مذاهب نیز مطرح است، مسأله تأمین نفقه، سکونت و عدم اسقاط حقوق زن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، این مباحث در نکاح مسیار نیز به‌عنوان مسأله‌ای چالش‌برانگیز مطرح می‌شود. اگرچه ابن عبد البر به‌طور مستقیم به نکاح مسیار اشاره نمی‌کند، اما نظریات او در خصوص حفظ حقوق زن و لزوم وفای به شروط ازدواج، به‌طور غیرمستقیم می‌تواند به تحلیل فقهی این نوع ازدواج کمک کند.

کتاب "المجموع" اثر النووی، یکی از منابع برجسته در فقه شافعی، نیز به مسائل مختلفی در مورد عقد نکاح و شرایط آن پرداخته است. هرچند در این کتاب به نکاح مسیار به‌طور صریح اشاره نشده است اما نکاح متعه و اسقاط حقوقی که در آن ممکن است به‌وجود آید، مورد بحث قرار گرفته است، نظر النووی در خصوص لزوم رعایت حقوق زن در عقد نکاح و بررسی دقیق شرایط ازدواج، می‌تواند به‌طور غیرمستقیم به تحلیل نکاح مسیار و مشکلات آن کمک کند؛ به‌ویژه تأکید بر لزوم تأمین نفقه و عدم تزییع حقوق زن در فقه شافعی، که در نکاح مسیار به‌طور معمول اسقاط می‌شود، نکته‌ای است که در تحلیل حکم فقهی این نوع ازدواج مهم است.

در کتاب "فتح القدیر" از ابن همام که یکی از آثار برجسته در فقه حنفی است، حقوق زن و مرد در عقد نکاح به‌طور مفصل مورد بررسی قرار گرفته است. این کتاب به اهمیت رعایت شرایط صحیح عقد نکاح و لزوم تأمین حقوق متقابل اشاره دارد. اگرچه در این کتاب به‌طور خاص به نکاح مسیار پرداخته نشده، اما بحث‌های مطرح‌شده در خصوص اسقاط حقوق و اهمیت تأمین نفقه و سکونت در نکاح، می‌تواند به تحلیل فقهی این نوع ازدواج کمک کند.

در این اواخر نسبت به ضرورت زمان؛ کتاب‌ها و مقالات ارزشمندی دیگری نیز از جانب علمای معاصر نوشته شده است که از آن جمله می‌توان از کتاب "نکاح المسیار و احکام الأنکحة المحرمة" از عرفان بن سلیم العشاء و "زواج المسیار حقیقت و حکمه" از دکتر یوسف قرضاوی و "زواج المسیار" از عبدالملک المطلق و مقالات دیگری که در این مورد تحریر شده اند نام برد که هر کدام با رویکرد خاص تدوین شده است.

اصل مسأله بر این است که در نکاح مسیار، زن از برخی حقوق خود مانند نفقه و سکونت چشم‌پوشی می‌کند، این امر در جوامع اسلامی به ویژه در کشورهای عربی مطرح است. این نوع ازدواج

از نظر فقهی با دیدگاه‌های مختلفی روبه‌رو است؛ برخی فقها آن را مخالف اصول شرعی می‌دانند و برخی دیگر، خصوصاً در مذهب حنبلی، در صورت رضایت کامل زن، آن را جایز می‌شمارند. سوال اصلی این پژوهش این است که آیا نکاح مسیاری در مذاهب اهل سنت جایز است و چه شرایطی برای حفظ حقوق زن و مرد باید رعایت شود؟ هدف این تحقیق روشن‌سازی حکم فقهی و الزامات شرعی آن است.

نگارنده علی‌رغم جستجو نتوانسته است کتاب مدون و منسجمی که صرفاً احکام فقهی نکاح مسیاری را با توجه به مقارنه و موازنه آراء و دیدگاه‌های فقهای مذاهب اهل سنت به بررسی گرفته باشد پیدا کند، کتاب‌های که در بالا از آن تذکر رفت همه در حد فتوا بوده و کلی‌گویی شده است.

این تحقیق با هدف تحلیل جایگاه نکاح مسیاری در فقه حنفی و بررسی حقوق و تکالیف متقابل زن و مرد در این عقد، به‌ویژه اسقاط حقوقی مانند نفقه و سکونت، انجام شده است. اهمیت تحقیق در بررسی چالش‌های فقهی و اجتماعی ناشی از نکاح مسیاری و تأمین حقوق زنان در این نوع عقد است. این پژوهش به فقهاء و پژوهشگران کمک می‌کند تا مسائل فقهی پیچیده این عقد را بهتر درک و تحلیل کنند، و ضرورت آن به پاسخگویی به نیازهای فقهی و اجتماعی در جوامع اسلامی معاصر مربوط می‌شود.

نکاح مسیاری و حکم فقهی آن

معنای لغوی مسیاری: مسیاری برگرفته از "سیر" است که از لحاظ واژه به معنای گشت زدن در روی زمین می‌باشد (اصفهانی، ۱۹۶۱م: ص ۲۴۷).

معنای اصطلاحی مسیاری: مسیاری عبارت از ازدواجی است که مرد و زن صورت می‌گیرد با تکمیل نمودن ارکان (ایجاب و قبول) و شرایط آن (شهادت شهود و حضور ولی) مبنی بر این‌که زن از بعضی حقوق مادی خویش مانند نفقه و مسکن برای خود و فرزندان‌اش در صورت که تولد شود و یا بعضی از حقوق شرعی خویش مانند حق قسمت در هم‌خوابگی به نفع انباغ و یا شوهر خویش بگذرد و به آمدن گاه‌گاهی شوهر اکتفاء نموده رضایت دهد (زحیلی، ۱۴۱۸هـ: ق: ص ۱۳۶).

دیدگاه کسانی که قائل به اباحت توأم با کراهیت آن اند:

شیخ عبدالعزیز بن باز؛ در جواب سوالی که اگر مردی ازدواج دومی یا سومی می‌کند طوری‌که زن در خانه خودش باقی می‌ماند و مرد صرف در بعضی اوقات نزد زن خویش می‌رود؛ چنین جواب ارائه نموده است: در صورتی‌که ارکان و شرایط نکاح مانند ایجاب و قبول، رضایت طرفین، شهود و حضور ولی در آن مراعات شده باشد؛ هیچ باکی نیست، و به این قول پیامبر (صلی الله علیه و سلم) استدلال کرده است: (عَنْ عُبَيْدَةَ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: أَحَقُّ مَا أَوْفَيْتُمْ مِنَ الشَّرْطِ أَنْ تُوفُوا بِهِ مَا اسْتَحَلَّتُمْ بِهِ الْفُرُوجَ) (بخاری، ۱۴۲۲هـ: ق: ج، ص ۵۱۵)؛ و نیز استدلال کرده است به این فرموده نبی اکرم (صلی

الله علیه و سلم) (الْمُسْلِمُونَ عَلَى شُرُوطِهِمْ) (ابو داود، بی تا: ج ۳، ص ۳۰۴)؛ بناء با توجه به احادیث که بیان شد هرگاه زن و شوهر باهم اتفاق نمایند که زن در خانه والدین خودش باقی بماند و مرد در شب‌های معین نزد زن خویش بیاید باکی نیست به شرط این که نکاح مخفی نباشد (مجله الدعوة، ۱۴۱۸ هـ ق: ش ۱۵۹۸).

شیخ عبدالعزیز بن عبدالله آل شیخ؛ مفتی عام کشور سعودی و رئیس کبار علماء و رئیس "البحوث العلمیة والدعوة والإرشاد" در جواب سوالی گفته است: چنین ازدواجی جائز است در صورتی که ارکان، شرایط و اعلان واضح در آن رعایت شود، اعلان در چنین نکاح برای آن لازم است تا از تهمت به دور بمانند.

شیخ عبدالله بن عبدالرحمن الجبرین؛ عضو افتاء و دعوۀ و ارشاد کشور سعودی گفته است: می‌دانم که چنین ازدواج از حیث نام‌گذاری جدید است ولی در واقع جائز می‌باشد؛ مگر در چنین عقدی لازم است تا اعلان صورت بگیرد، و هم‌چنین طرفین عقد می‌باید اعتراف داشته باشند به این که برای زن حق ثابت مانند سائر زنان که در عقد متداول فقهی نکاح شده است می‌باشد و برای فرزندان شان نیز حقوقی بر والدین است مانند فرزندان سائر مردم.

شیخ یوسف محمد مطلق؛ عضو افتاء و دعوۀ و ارشاد کشور سعودی می‌گوید: ازدواج شرعی آن است که با تمام ارکان و شرایط مکمل عقد صورت پذیرفته باشد؛ اما شرط گذاشتن به این که زن از حق نفقه و قسم خویش تنازل نماید باطل بوده و خود عقد صحیح است؛ چنان که زن بعد از عقد خواهان حقوق خویش شود که قبلاً بخشیده بود مانعی شرعی ندارد.

شیخ ابراهیم بن صالح الخضیری؛ قاضی محکمه کبرای ریاض می‌گوید: ازدواج بسیار با آن که شرعی است در عصر کنونی یک نیاز جدی نیز محسوب می‌شود؛ زیرا مردان در جامعه ما کمتر از تعداد زنان قرار دارد و من در ازدواج بسیار چیزی مخالف شریعت نمی‌بینم؛ زیرا به سبب آن انسان‌ها در عفت باقی می‌مانند.

دکتور حسین بن محمد بن عبدالله آل شیخ؛ استاد اسبق جامعه امام محمد بن سعود گفته است: به نظر من نکاح بسیار در ظاهر خویش با نکاح متداول فقهی از حیث تکمیل بودن تمام ارکان و شرایط نکاح تفاوتی ندارد، از این منظر جائز شمرده می‌شود؛ ولی شرایطی که در آن به توافق طرفین انجام می‌شود نتایج منفی در پی دارد پس نباید جز در حالات و شرایط خاص کسی را اجازه داده شود تا به این نوع عقد تن دهد. به رأی من شرایط توافق شده میان زن و مرد (تنازل زن از حق میت و نفقه) فاسد بوده ولی عقد در محل خویش باقی است (جريدة الجزيرة السعودية، ۱۴۲۰ هـ ق: ش ۱۰۱۹۳).

محمد سید طنطاوی " شیخ الأزهر "؛ در جواب سوالی گفته است: چنین ازدواجی " مسیار " صحیح است؛ زیرا در حضور شهود و رضایت ولی عقد صورت گرفته است؛ ولی زوجین ملزم به وفای شرط تنازل نیست، از این جهت که زوجین بر عدم وفا بر شروط توافق نموده است عقد صحیح است. و هم چنین کسانی که قول به إباحه داده است مفتی کشور مصر شیخ نصر فرید، دکتور سعید العنزی، دکتور سید یوسف قرضاوی، شیخ عبدالله بن منیع عضو هیئت کبار علمای سعودی، شیخ سعود الشریم امام و خطیب مسجد الحرام، دکتور احمد الحجی الکردی و دکتور محمود ابو لیل می‌باشند (مطلق، بی تا: ص ۱۳۶).

قائلین به عدم إباحه و استدلال شان:

شیخ محمد ناصر الدین البانی گفته است که در این نوع نکاح ضررهای زیادی است که در رأس آن اضرار تربیه فرزندان و اخلاق آنها است که در نبودن پدر به وجود می‌آید (اشقر، ۲۰۰۰م: ص ۲۵۷). شیخ عبدالعزیز المسند مستشار وزارت تعلیمات عالی کشور سعودی می‌گوید: ازدواج مسیار خنده‌آور است، حقیقت چنین ازدواج؛ إهانت به زن و به بازی گرفتن آن است، اگر ازدواج مسیار صورت بگیرد بدانید که فاسقی چنین ازدواجی را انجام داده است و می‌خواهد به غیر زن اولی با زن دوم و سوم و چهارم و پنجم و... هوسرانی نماید، و هم چنان این عقد یکی از وسائلی برای ترویج فساد است (مطلق، بی تا: ۱۳۹).

دکتور عجیل جاسم النشمی؛ استاد سابق پوهنهی شرعیات کشور کویت می‌گوید: ازدواج مسیار باطل است و اگر باطل نباشد عقد فاسد است، موصوف به دلائل زیر استناد کرده است:

۱- این که فقهای قدیم چنین ازدواجی را استنباط نکرده است و این نوع نکاح اهانت به عقد ازدواج است و حتی کوچکترین دلیل برای جواز آن وجود ندارد.

۲- وسیله‌ای برای ترویج فساد است زیرا برای هوسرانان مایه و دستاویز فساد می‌گردد زمانی که منزل زن بیگانه را دق‌الباب نماید استدلال می‌کنند که با او نکاح مسیار کرده است.

۳- مخالف مقاصد شریعت که همانا آرامش و سکون است می‌باشد.

۴- چنین ازدواج در اکثر اوقات مخفیانه صورت می‌گیرد، مخفی بودن آن دلیل کافی برای ناجائز بودن می‌باشد.

۵- زن برای طلاق عرضه می‌شود زمانی که از تنازل حق خویش پشیمان شده خواهان پرداخت حقوق گردد مرد وی را طلاق می‌دهد.

۶- برای مرد گناه و برای زن اولی ضرر فاحش است؛ زیرا مرد با زن دوم بدون آگاهی زن اول با استفاده از حقوق زن اولی، با زن دومی معاشرت می‌نماید. و نهایتاً این که از لحاظ شکلیات و مفهوم با نکاح متعه مشابهت دارد (جریده الوطن، ۱۴۱۸، ش ۷۵۸۴).

دکتور محمد الزحیلی؛ می‌گوید: نکاح بسیار به دو دلیل جائز نیست: اول: این که توافق چنین شرایط میان زوجین مخالف مقتضای عقد و مقاصد شریعت می‌باشد مانند آرامش و مودت و رحمت و عدالت میان زوجین. دوم: این که نتایج منفی به بار می‌آورد؛ زیرا عفاف در آن مراعات نمی‌شود و در آن اعلان صورت نمی‌گیرد و این امر باعث ضیاع اولاد می‌شود.

دکتور محمد عبدالغفار الشریف؛ استاد پوهنحی شرعیات کویت گفته است: این فعل بدعت جدیدی است که بعضی از اشخاص ضعیف النفس از مسئولیت فرار کرده برای قضای حاجت جنسی خویش در صدد ترویج این نوع ازدواج اند و چنین عملی منافی مقاصد ازدواج است (اشقر، ۲۰۰۰م: ص ۲۵۰)؛ چنانچه الله متعال می‌فرماید: (وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً)؛ ترجمه: (و از نشانه‌های او اینکه از نوع خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد).

دکتور ابراهیم فاضل الدبو؛ استاد پوهنحی فقه و قانون کشور عمان گفته است: چنین ازدواجی حرام است؛ زیرا مقاصد شارع در آن محقق نمی‌شود، و اگر کسی اعتراض دارد که ارکان و شرایط نکاح در آن مکمل است پس چگونه می‌توانیم آن را حرام بگوییم؟ در پاسخ چنین اشخاص می‌گویم که نکاح محلل نیز ارکان و شرایط مکمل را دارد در حالی که فقهاء با استناد به اصل سد ذرایع فتوای حرمت آن را داده است (همان، ۲۰۰۰م: ۲۴۰).

هم‌چنان از جمله مخالفین چنین ازدواج که قائل به عدم جواز آن اند می‌توان از دکتور علی اقره داغی، دکتور عبدالله جبری، دکتور عمر سلیمان اشقر نام برد که به دلایل بالا و یا شبیه آن استناد نموده اند (مطلق، بی تا: ص ۱۶۱).

نظریه توقف:

تعدادی از علمای معاصر از اظهار نظر در حکم جواز و عدم جواز آن؛ خودداری نموده اند، سکوت آن‌ها بیانگر آن است که هنوز می‌خواهند ابعاد مسئله را بررسی نمایند و یا هم دلیل قانع و مانع و قاطع را تا به دست نیاورده اند ابراز نظر نکنند.

اگرچه دلائل مخالفین و موافقین تا هنوز استنباطی و اجتهادی است، نص صریح به دلیل بی‌پیشینه بودن به عین اسم و نشان وجود ندارد.

از جمله علمای که در حکم نکاح مسیاری سکوت نموده اند بنابه روایت دکتور عبدالملک مطلق عبارت اند از: دکتور عمر بن سعود السعید و دکتور محمد فالح المطلق (همان، بی تا: ۱۲۴).

پیامدهای فقهی و اجتماعی مسیاری

علمای که به عدم اباحت مسیاری حکم نموده اند، در زیر می‌توان دیدگاه و دلائل شان را چنین

خلاصه نمود:

۱- در ازدواج مسیاری شرایطی که میان زوجین توافق است مخالف مقتضای ذات عقد است و هر شرطی که مخالف مقتضای عقد باشد فاسد است مانند گذشتن از حق نفقه و مبیعت.

۲- ازدواج مسیاری مخفیانه صورت می‌گیرد و خفی بودن آن دلیل بر عدم جواز آن است؛ زیرا اکثریت علماء نکاح مخفی را ناجائز دانسته اند.

۳- ازدواج مسیاری منافی مقاصد شریعت اسلام است مانند برهم خوردن آرامش و رعایت حال فرزندان.

۴- ازدواج مسیاری نوع اهانت به حیثیت و کرامت زن است؛ زیرا اگر در آینده زن حق خودش را مطالبه نماید، مرد وی را طلاق داده و با زن دیگری نکاح مسیاری خواهد نمود.

۵- در شریعت راه دیگری که همانا تعدد زوجات بوده وجود دارد که بهترین گزینه شرعی دانسته می‌شود.

۶- نکاح مسیاری قطعاً برای زن اول ضرر محسوب می‌شود؛ زیرا که مرد زن دوم مسیاری شده را از جهت این‌که تازه و جدید است بیشتر پسندیده و اوقات بیشتر خود را با وی می‌گذراند؛ حالانکه این اوقات حق زن اولی است.

۷- نکاح مسیاری بدون شک وسیله‌ای می‌شود برای ترویج فساد و زمینه سوء استفاده مردان از زنان را فراهم می‌کند و این‌گونه مردان مفسد و هوسران؛ گناه خویش را توجیه شرعی می‌کنند (آلبانی، ۱۴۰۹ هـ.ق: ص ۳۴۷).

بررسی و پاسخ دلائل قائلین به حرمت:

در این بحث؛ نگارنده حکم نفقه، مبییت و قسم را با توجه به دیدگاه و دلائل فقهاء مورد بررسی قرار داده و به دنبال پاسخدهی به این سوال که آیا زن می‌تواند حق (نفقه، مبییت و قسم) خویش را برای دیگری ببخشد یا خیر می‌باشد.

نفقه:

نفقه عبارت از هر آن چیزی است که برای رفع ضرورت زن پرداخت می‌گردد مانند: طعام، لباس، مسکن، خدمه و غیره که حکم آن واجب است (ابن قدامه، ۱۴۰۸ هـ ق: ج ۷، ص ۱۳).

دکتور عبدالملک مطلق از ابن رشد نقل کرده است که بر وجوب نفقه بالای شوهر اجماع وجود دارد (مطلق، بی تا: ص ۳۳۰) و به این آیه قرآن استدلال نموده است: (وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ) (بقره/۲۳۳)؛ ترجمه: (و خوراک و پوشاک آنان [مادران] به طور شایسته بر عهده پدر است).

وی هم‌چنان ذکر نموده است که پرداخت نفقه بالای مرد به کتاب و سنت و اجماع ثابت شده و به دلائل زیر استناد نموده است: (لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قَدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا) (طلاق/۷)؛ ترجمه: (مرد دارا به اندازه توان خودش به زن شیرده نفقه دهد و آن که نادار و تنگ دست است از آن چه خدا به او داده انفاق کند که خدا هیچ‌کس را جز به مقدار آن چه "توانایی" داده تکلیف نمی‌کند)؛ و هم‌چنین این فرموده خداوند: (قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ) (احزاب/۵۰)؛ ترجمه: (ما نیک می‌دانیم که در مورد زنان و کنیزان‌شان چه بر آنان مقرر کرده‌ایم)؛ استدلال نموده است. و در حدیث صحیح مسلم نیز آمده است: (... فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي النِّسَاءِ، فَإِنَّكُمْ أَحَدْتُمُوهُنَّ بِأَمَانِ اللَّهِ، وَأَسْتَحْلَلْتُمْ فُرُوجَهُنَّ بِكَلِمَةِ اللَّهِ، وَلَكُمْ عَلَيْهِنَّ أَنْ لَا يُوطِئَنَّ فُرُوجَكُمْ أَحَدًا تَكَرَّهْتُمْ، فَإِنْ فَعَلْنَ ذَلِكَ فَاضْرِبُوهُنَّ ضَرْبًا غَيْرَ مُبْرَحٍ، وَلَهُنَّ عَلَيْكُمْ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ...) (مسلم، بی تا: ج ۲، ص ۸۸۶)؛ ترجمه: (...در مورد زنان از خدا پروا دارید، زیرا شما ایشان را به امانت خدا گرفته‌اید، و به فرموده خدا ایشان بر شما حلال شده‌اند، و حق شما بر ایشان آن است که کسی را که نمی‌پسندید در خانه راه ندهد، پس اگر چنین کردند ایشان را چنان تأدیب کنید که معذب نشوند، و حق ایشان بر شما آن است که غذا و لباس ایشان را به اندازه توان تان تأمین کنید...). ابن حبان نیز متن این حدیث را بیان داشته و به آن استناد جسته است (ابن حبان، ۱۴۵۷ هـ ق: ج ۴، ص ۳۱۰).

امام بخاری نیز در صحیح خویش یک باب جداگانه را در باره وجوب نفقه بر اهل و عیال به استناد روایت ابوهریره بیان داشته است: (حَدَّثَنِي أَبُو هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ مَا تَرَكَ غَنِيٌّ، وَالْيَدُ الْعُلْيَا خَيْرٌ مِنَ الْيَدِ السُّفْلَى، وَأَبْدَأُ بِمَنْ تَعُولُ» تَقُولُ الْمَرْأَةُ: إِمَّا

أَنْ تُطْعِمَنِي، وَإِمَّا أَنْ تُطَلِّقَنِي، وَيَقُولُ الْعَبْدُ: أَطْعِمْنِي وَأَسْتَعْمِلَنِي، وَيَقُولُ الْإِبْنُ: أَطْعِمْنِي، إِلَى مَنْ تَدْعُنِي، فَقَالُوا: يَا أَبَا هُرَيْرَةَ، سَمِعْتَ هَذَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ قَالَ: «لَا، هَذَا مِنْ كَيْسِ أَبِي هُرَيْرَةَ» (بخاری، ۱۴۲۲هـ ق: ج ۷، ص ۶۳).

وجه استدلال وجوب در حدیث فوق در این نکته است که اگر پرداخت نفقه واجب نباشد؛ پس برای زن جائز نیست که در صورت ندادن طعام از جانب شوهر؛ خواهان طلاق گردد. و به استناد سخن ابن قدامه که گفته است: بر وجوب نفقه اجماع وجود دارد (ابن قدامه، ۱۴۰۸هـ ق: ج ۹، ص ۲۳۱).

ابن حجر عسقلانی نیز گفته است که بر وجوب نفقه اجماع منعقد شده است (عسقلانی، بی تا: ص ۴۱۰)؛ بنابراین دلائل فوق می‌توان گفت که پرداخت نفقه از جانب شوهر برای زن واجب است.

سوالی که اینجا مطرح می‌گردد و نیاز به بررسی و ارائه جواب دارد این است که آیا اگر شوهر از پرداخت نفقه بر زن ابا ورزد؛ عقد فسخ می‌شود؟ برای روشن شدن موضوع و ارائه پاسخ به سوال مطروحه؛ آراء و نظرات علمای مذاهب ذیلا بیان می‌گردد:

دیدگاه احناف: اگر شوهر نفقه زن را پرداخت نکرده باشد، به شوهر دین می‌شود و اگر شکایت به قاضی برده شود برای زن صلاحیت داده می‌شود و او می‌تواند مانند سائر دیون بخشش نماید؛ ولی برای زن جائز نیست که نفقه آینده را نیز ببخشد؛ زیرا آینده هنوز روشن نبوده و "إسقاط مالیم یجب" صحیح نیست (کاسانی، ۱۴۰۶هـ ق: ج ۴، ص ۲۲).

دیدگاه مالکیه: نفقه بالای شوهر واجب است، اگر شوهر تنگ‌دست بوده و گرفتار سختی و مشقت باشد پرداخت نفقه از دوش او ساقط است و برای زن اختیار داده شده است که با همین وضع با شوهر خود می‌باشد یا خواستار طلاق می‌شود. هرگاه اگر زن از نزد خودش در هنگام تنگ‌دستی شوهرش خرج نفقه نماید بعد از توانایی شوهر نمی‌تواند خواهان پرداخت آن گردد؛ زیرا در زمان تنگ‌دستی پرداخت نفقه از دوش شوهر ساقط بوده است (دسوقی، ۱۳۳۰هـ ق: ج ۲، ص ۵۱۷).

دیدگاه شافعیه: اگر در عدم توانایی شوهر، زن از دارایی خویش به خودش نفقه و خرج نماید، مال خرج شده توسط زن، به گردن شوهرش قرض محسوب گردیده و زن اختیار دارد تا خواهان فسخ عقد شود (رملی، ۱۳۲۸هـ ق: ج ۳، ص ۵۸۰).

دیدگاه حنابله: در ایام تنگ‌دستی یا عدم توانایی شوهر، برای زن اختیار است که فسخ عقد نماید یا به همان حال به زندگی خویش ادامه می‌دهد؛ اما اگر زن قبل از عقد به عدم توانایی مرد آگاه بود، برای او اختیار داده نمی‌شود تا خواهان فسخ عقد گردد؛ زیرا او عالم به عیب شوهر بوده است (ابن قدامه، ۱۴۰۸هـ ق: ج ۳، ص ۳).

از آراء فقهای مذاهب چهارگانه چنین دانسته شد که هرگاه شوهر به نسبت عدم توانایی، توان پرداخت نفقه را نداشته باشد نکاح باطل نمی‌گردد بلکه این اختیار برای زن است که بر زندگی خویش ادامه داده و از مال خودش نفقه خود را تأمین می‌کند یا این که خواهان طلاق می‌شود؛ پس زنی که با درک حالت مرد و مفاد شخصی خودش از حق نفقه تنازل می‌کند مشکلی در ذات عقد ایجاد نمی‌گردد و نکاح وی صحیح است.

حکم مبییت (هم‌خوابی):

به محض انعقاد عقد، زوجین حقوق و تکالیفی نسبت به یکدیگر پیدا می‌کند. در نکاح مسیاری زوجه از برخی حقوق و اختیارات خویش مانند نفقه و حق مبییت صرف‌نظر می‌کند. حق مبییت (هم‌خوابی) نیز از جمله حقوق مهمی است که منشأ اختلاف نظر در صحت یا بطلان نکاح مسیاری گردیده است؛ لذا بررسی آن ضرور به نظر می‌رسد. مبییت مشتق از واژه " بیت " به معنی کاری است که در شب انجام می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ ق: ج ۲، ص ۱۶). و در اصطلاح عبارت از سپری کردن شب نزد زوجه است (حموی، بی تا: ص ۶۷). گاهی هم در متون فقهی به این حق، " قسم " (با فتح قاف و سکون سین) نیز گفته می‌شود که در اصطلاح فقهاء، قسم به تقسیم کردن شب‌های شوهر میان همسران وی گفته می‌شود (ابن قدامه، ۱۴۰۸ هـ ق: ج ۷، ص ۱۷۱).

مناقشه:

باتوجه به بررسی آراء و دیدگاه‌های فقهی مطرح شده در مورد حکم فقهی نکاح مسیاری، چنین به نظر می‌رسد که فقهای متقدم در این مورد و خصوصاً به این نام هیچ فصل و بابی را بیان نداشته‌اند و علت آن نیز واضح است و آن این که چنین نکاحی با چنین نام‌نشانی در آن زمان اصلاً مطرح نشده است؛ اما فقهای متأخر در این خصوص دیدگاه مشترک نداشته و نسبت به هم دیدگاه متفاوت دارند؛ عده‌ای آن را جائز و مشروع دانسته و برخی نیز آن را غیر مشروع و ناجائز می‌دانند و هرکدام از این دو گروه بخاطر اثبات مشروعیت و عدم مشروعیت آن به دلایلی متمسک شده‌اند و هرکدام از زاویه دید خود به قضیه نگریسته و مسأله را مورد بررسی قرار داده‌اند.

کسانی که نکاح مسیاری را مشروع دانسته‌اند بیشتر به این استدلال کرده‌اند که چنین نکاحی تمامی ارکان و شرایط نکاح مشروع از جمله ایجاب و قبول، شهود، رضایت طرفین عقد، ولایت، کفایت و غیره شرایط نکاح معمول و مروج را دارا است و در ضمن حق ارث، نسب، عده، طلاق و سایر آثار مرتبه بر ازدواج مشروع در آن وجود دارد.

برخی دیگری از فقهاء نیز چنین نکاح را باطل دانسته و آن را نوعی اهانت برای زن می‌دانند و اضافه می‌کنند که چنین عقدی مخالف مقتضای عقد بوده و خلاف مقاصد شریعت است و این عمل زمینه سوء استفاده و فسق و فجور را برای هوس‌بازان فراهم ساخته و باعث ترویج فساد می‌شود. تحقیق حاضر در مقایسه با سایر تحقیقات موجود، تنها به گردآوری آراء فقها اکتفا نکرده بلکه با تحلیل انتقادی دیدگاه‌های مختلف و ارزیابی آن‌ها بر مبنای مقاصد کلی شریعت (جلب مصلحت و دفع مفسدت)؛ به نتیجه‌گیری مستقلی دست یافته است. برخلاف برخی آثار که به نقل اقوال بدون ارزیابی پرداخته‌اند، این تحقیق نکاح مسیار را از ابعاد فقهی، اجتماعی و اخلاقی مورد بررسی قرار داده و با تطبیق آن بر اهداف اصلی ازدواج در اسلام همچون مودت، رحمت، آرامش، حفظ نسل و رعایت حقوق زن، نشان داده است که چنین نکاحی با روح و مقاصد شریعت سازگاری ندارد. بدین ترتیب، تحقیق حاضر علاوه بر جنبه توصیفی، رویکردی تحلیلی و انتقادی نیز دارد.

نتیجه‌گیری:

نکاح مسیاری یکی از موضوعات جنجالی و مورد بحث در فقه اسلامی است که به دلیل ویژگی‌های خاص خود، در جوامع مختلف به چالش کشیده شده است. در این تحقیق، با توجه به بررسی ابعاد مختلف نکاح مسیاری و مقایسه آن با ازدواج‌های معمولی، می‌توان به این نتیجه رسید که معایب نکاح مسیاری به طور کلی بیشتر از مزایای آن است. این نوع ازدواج زمینه سوءاستفاده را برای افراد هوسران فراهم می‌کند و حقوق اساسی زنان مانند نفقه و مبیعت را نادیده می‌گیرد که در نتیجه زنان از این ناحیه متضرر می‌شوند. مطابق با اصول قرآن و سنت، هرگونه ضرر در این نوع ازدواج حرام است. همچنین، نکاح مسیاری از لحاظ شکل و محتوا شباهت‌هایی با متعه دارد که در هر دو نوع عقد، طرفین تلاش می‌کنند رابطه خود را پنهان نگه دارند؛ در حالی که شریعت اسلام بر اعلان نکاح تأکید دارد. در نهایت، یکی از اهداف اصلی ازدواج در اسلام، جلوگیری از انقراض نسل و تأکید بر فرزندآوری و تربیت نسل آینده است که این موضوع در نکاح مسیاری به وضوح نادیده گرفته می‌شود. همچنین، خداوند در قرآن کریم ازدواج را به عنوان منبعی برای رحمت، مودت و سکون و آرامش معرفی کرده است که در نکاح مسیاری به وضوح قابل تحقق نیست.

فهرست منابع

قرآن کریم.

- آلبانی، شیخ محمد ناصرالدین، (۱۴۰۹ هـ ق)، *آداب الزفاف فی سنه المطهره*، بیروت - المكتبة الاسلامی، الطبعة الثالثة.
- ابن حبان، محمد بن حبان بن احمد، (۱۴۵۷ هـ ق)، *صحيح ابن حبان*، بیروت - مؤسسه الرسالة، الطبعة الثانية.
- ابن رملى، شمس الدين محمد بن احمد بن حمزة الرملى، (۱۳۲۸ هـ ق)، *مغنى المحتاج الى معرفة معانى ألفاظ المنهاج*، قاهرة - مطبعة البهية المصرية.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد، (۱۴۰۸ هـ ق)، *الكافي فى فقه الإمام احمد*، (بى جا)، المكتبة الإسلامية، الطبعة الخامسة.
- ابن منظور، محمد بن مكرم بن على ابوالفضل جمال الدين، (۱۴۱۴ هـ ق)، *لسان العرب*، بیروت - دار صدر، الطبعة الثالثة.
- ابن عابدين، محمد بن امين ابن عمر بن عبدالعزيز، (۱۴۱۲ هـ ق)، *رد المحتار على در المختار*، بیروت - دار الفكر، الطبعة الثانية.
- اصفهانى، حسن بن محمد، (۱۹۶۱ م) *المفردات فى غريب القرآن*، قاهره - مكتبة و مطبعة الألبانى، الطبعة الاولى.
- اشقر، اسامه عمر سليمان، (۲۰۰۰ م)، *مستجدات الفقهية فى قضايا الزواج والطلاق*، اردن - دار النفيس، الطبعة الاولى.
- بخارى، ابو عبي الله محمد بن اسماعيل، (۱۴۲۲ هـ ق)، *صحيح البخارى*، بیروت - دار طوق النجاة، الطبعة الاولى.
- جريدة الجزيرة السعودية*، (ربيع الاول ۱۴۲۰ هـ ق)، تصدر من رياض، عدد (۱۰۱۹۳).
- جريدة الوطن*، (محرم ۱۴۱۸ هـ ق)، تصدر من قاهرة، عدد (۷۵۸۴).
- حموى، احمد بن محمد بن على الفيومى، (بى تا)، *المصباح المنير فى غريب شرح الكبير*، بیروت - المكتبة العلمية.
- دسوقى، احمد بن محمد بن احمد الدسوقى، (۱۳۳۰ هـ ق)، *حاشية الدسوقى على الشرح الكبير*، قاهرة - دار احياء الكتب العربية.
- زحيلي، وهبة، (۱۴۱۸ هـ ق)، *الفقه الإسلامى وأدلته*، دمشق - دار الفكر المعاصر، الطبعة الرابعة.

- سجستاني، ابو داود سليمان بن الأشعث بن اسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي، (بي تا)، سنن *ابي داود*، بيروت - صيدا.
- عسقلاني، احمد بن علي بن حجر، (بي تا)، *فتح الباري بشرح صحيح البخاري*، قاهرة - دار الريان للتراث، الطبعة الاولى.
- عزى، سعد، (۱۴۱۸هـ ق)، *احكام الزواج فى الشريعة الإسلامية*، كويت - مكتبة الصحوة.
- قرضاوى، سيد يوسف، (۱۴۰۲هـ ق)، *زواج المسيار حقيقته و حكمه*، قاهرة - مكتبة وهبة، الطبعة الاولى.
- قشيرى، مسلم بن الحجاج، (بي تا)، *صحيح مسلم*، بيروت - دار إحياء التراث العربى.
- كاسانى، علاء الدين ابوبكر بن مسعود بن احمد، (۱۴۰۶هـ ق)، *بدائع الصنائع فى ترتيب الشرائع*، بيروت - دار الكتب العلمية، الطبعة الثانية.
- ماوردى، ابو الحسن على بن محمد بن حبيب البصرى، (۱۴۱۹هـ ق)، *الحاوى الكبير فى فقه المذهب الإمام الشافعى و هو فى شرح مختصر المزنى*، بيروت - دار الكتب العلمية، الطبعة الاولى.
- مطلق، عبدالملك بن يوسف بن محمد، (بي تا)، *زواج المسيار*، رياض - دار بن لعبون.
۲۲. *مجلة الأسرة*، (محرم ۱۴۱۸ هـ ق)، تصدر من لندن، عدد (۱۴۶).
- مجلة الدعوة*، (صفر ۱۴۱۸ هـ ق)، تصدر من رياض، عدد (۱۵۹۸).
- نسائى، ابو عبدالرحمن احمد بن شعيب بن على، سنن *الكبرى*، (۱۴۲۱هـ ق)، بيروت - مؤسسة الرسالة، الطبعة الاولى.

